

صحیفی شیرازی خوشنویس هنرمند عهد صفوی

منوچهر قدسی

امام علی بن الحسین . رقم صحیفی جوهری .

۴ - کتیبه سر در مسجد جارچی : مسجد جارچی ، در بازار بزرگ اصفهان ، بین باغ قلندرها و دروازه اشرف واقعست و آن را بسال ۱۰۱۹ «ملک سلطان جارچی» جارچی - باشی شاه عباس کبیر بنا کرده است . کتیبه سر در مسجد جارچی ، بخط ثلث برجسته منقور بر سنگ است و بدین عبارت ختم میشود : سنة تسع عشر و الف ، رقم صحیفی جوهری .

۵ - کتیبه سر در مسجد جورجیر : بر سر در مسجد کوچکی که از عهد صفویه ، در محله مسجد حکیم اصفهان باقی مانده و بمناسبت مجاورت با مسجد معروف دیلمی جورجیر ، ساکنان محل نیز آنرا مسجد «جوجی» ، «جوجه» و «جورجیر» مینامند ، کتیبه ای نصب است که تاریخ ساختمان مسجد و بنیانگذار آن (ملا آقای حوائجدار = حوائجدار خاصه) را معلوم و معرفی مینماید و باین عبارت پایان میگردد : بانی این مکان شریف ملا آقای حوائجدار خاصه شریفه است ، رقم صحیفی جوهری فی سنة ثمان و عشر و الف^۱ .

آنچه از مطاوی تذکره ها در ذیل نام صحیفی جوهری استنباط میشود ، اینست که وی در خوشنویسی خط ثلث استاد و در هنر تذهیب ، صحافی ، وصالی و فن کتابداری بروزگار خویش نامبردار و مشهور بوده و بدو زبان فارسی و ترکی نیز شعر میسروده است .

معاصرانش ، همدلی و همزبانی و شوخ طبعی و شگفتگی خاطر وی را ستوده ، او را در هشتاد سالگی ، مردی بذله گوی و رند و هم فطرت و هم خوی جوانان معرفی کرده اند^۲ . درباره

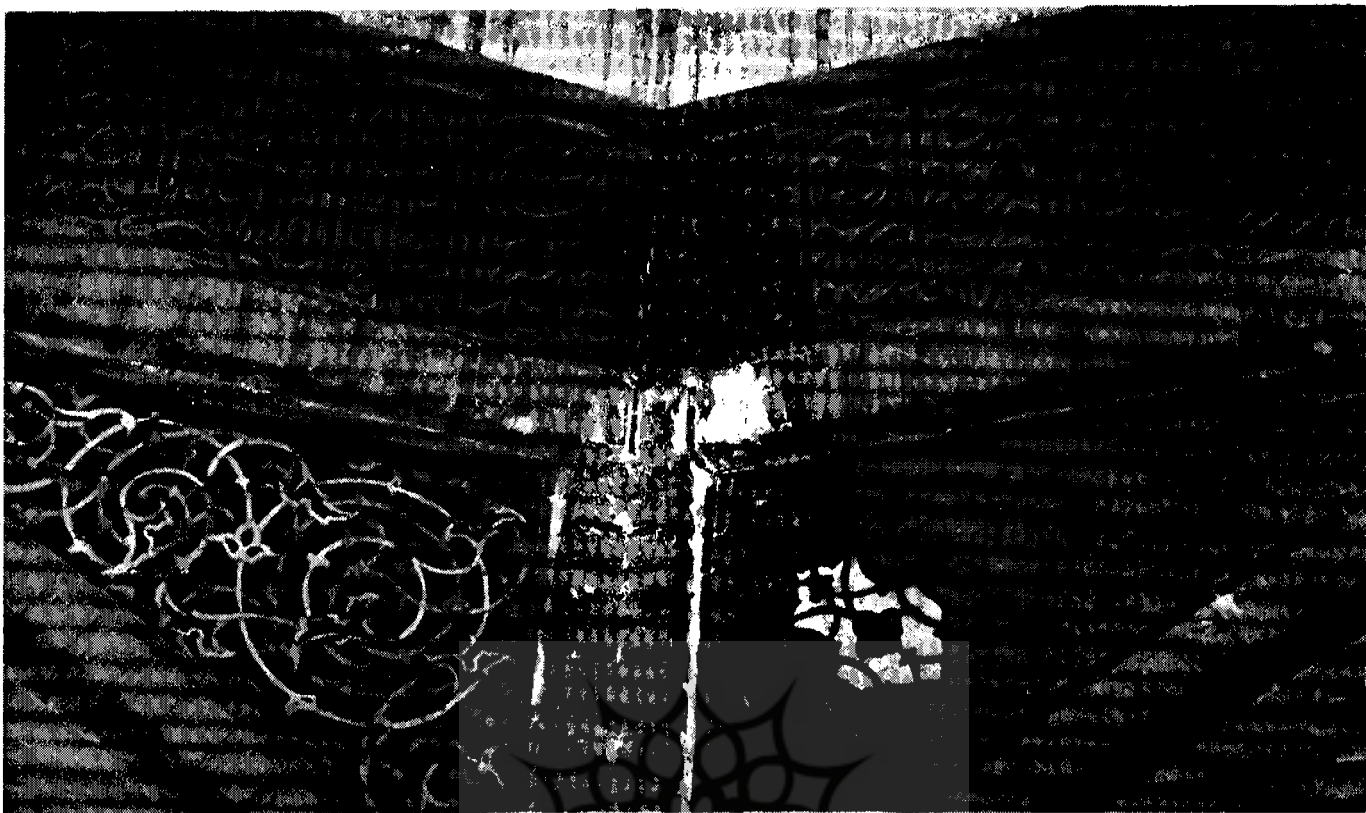
یکی از خوشنویسان هنرمند و چیره دست روزگار صفویه صحیفی جوهری شیرازی مشهور به صحیفی ذوالقدر است . وی در کتیبه نویسی خط ثلث استادی ماهر و در فنون صحافی و تذهیب و تجلید ، هنرمندی با ذوق و پرمایه و توانا بوده است و بر سری آنهمه ، ارباب تذکره او را بشاعری و سخن دانی و سخن شناسی ستوده اند و قطعاتی از آثار منظومش را در مؤلفات خویش نقل کرده اند . از خامه ثلث نگار صحیفی این آثار در اصفهان بجای مانده است :

۱ - کتیبه ایوان شمالی مسجد جامع : در ضلع شمالی مسجد جامع اصفهان ، در طرف راست ایوان کوچکی است که ساختمان آن مربوط بعهد سلجوقیان است . در اطراف ایوان مذکور ، کتیبه ای از دوره شاه عباس اول صفوی ، بچشم می خورد که بخط ثلث صحیفی جوهری گچ بری شده و حاکی از تعمیر آنست که در سال اول جلوس آن پادشاه ، در قسمت شمالی مسجد جامع صورت گرفته و مورخ بسال ۹۹۶ هجری قمری است .

۲ - لوحه در شمالی مسجد جامع : بردو لنگه راست و چپ در شمالی مسجد جامع ، جنب آرامگاه مجلسی ، بخط ثلث برجسته الواحی است که از آثار خوب صحیفی بشمار میرود و در آن اعضاء و رقم کاتب ، بدین ترتیب نگاشته شده است : رقم فقیر صحیفی الجوهری .

۳ - لوحه در شاه زید : بقعه امامزاده شاه زید در قسمت شرقی محله «ترواسکان» اصفهان قرار دارد . این بقعه در عهد صفویه ، به کاشی کاری و تعمیرات مفصل آراسته شده است . بر لنگه چپ در آن مدفن شریف ، بخط ثلث برجسته این عبارت دیده میشود : بر آستانه مقدس منور شاه زید بن

۱ - برای شرح مفصل ابنیه ای که ذکر کردیم به کتاب معتنم گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف آقای دکتر لطف الله هنرفر ، مراجعه شود .



کتیبه مسجد جارچی - خط صحیفی شیرازی

صورت: «گویند شخصی الواح قبور میخوانده، هر جا اسم صحیفی میدیده تصور میکرده که قبر صحیفی خواهد بود. چون مکرر بنظرش آمد، گفت: سبحان الله در این شهر چند هزار صحیفی نام، مرده است»^۴.

حکیم شقائی، شاعر معروف روزگار صفویه، به صحیفی و خط و شعر وی اعتقادی تمام داشته، در واقعه مرگ او که بسال ۱۰۲۲ اتفاق افتاده، قطعه‌ای ساخته است که مصراع ماده تاریخ ساده و بی‌تعمیه آنرا خوب از عهده برآمده، بدین ترتیب:

چون صحیفی جوهری ز قضا

از جهان رفت جانب عقبی

دل خلق جهان بسوخت بر او

همه را دیده گشت خون پالا

بی بدل بود در فنون سخن

در فن شعر بود بی همتا

تا قیامت بر این کتابه دهر

رقم خط او بود پیدا

سال فوتش ز عقل جستم، گفت:

«رفت ملاً صحیفی از دنیا»^۵

۱۰۲۲

شوخیها و ظرافت‌های او مؤلف مجمع‌الخواص مینویسد: «آنقدر شاعر و وضع و بلندپرواز است که شاعری بسیار دلیر باید تا از وضع وی نترسیده، در معرض سؤال و جواب او برآید. اغلب بزرگ‌زادگان احمق را پیدا کرده، برای آنان بالبدیهه قصیده‌های بی‌معنی میگفت و جایزه‌ها میگرفت»^۶.

اما این آرامش و فراغت و زنده‌دلی را وفات فرزندش «بوعلی» که در سفر هند مرگش از پای در انداخته، به سکوت و پژمردگی و عزلت‌گزینی مبدل ساخته است. بقول صاحب عرفات «در این اواخر بغایت از دست رفت».

صحیفی جوهری که از بزرگ‌زادگان طایفه ذوالقدر (منسوب به صوفی خلیل از اکابر ذوالقدر) بشمار میرفته، در شیراز ولادت یافته است. وی در جوانی، دل از شیراز بر گرفته، بسوی اصفهان که بدان روزگار کانون گرم رجال هنر، بویژه خطاطان بوده رهسپار گردیده است و تا آخر عمر که گویا در حدود نود سال زیسته، همچنان مقیم اصفهان بوده است.

معاصران صحیفی، وی را بکثرت کار در امر کتیبه‌نویسی مساجد و لوح قبور و مزارات، ستوده‌اند. در این باره داستانی نیز آمده است که نقل آن شاید خالی از لطافتی نباشد، بدین

آرامگاه صحیفی را، «سه تنان» قرب مسجد جامع اصفهان نوشته‌اند.

در تذکره محمدطاهر نصرآبادی و هفت اقلیم^۶، از شاعری «اسیری» تخلص، با شرحی در کمال اختصار یاد شده است، بهمین اندازه که «ولد صحیفی مذکور است، خوش طبع بوده و این بیت از اوست»:

دل‌پر است ز خون، بر لبم مزن انگشت

که همچو شیشه می‌گریه در گلو دارم

و اما در ثلث‌نویسی و کتیبه‌نگاری، صحیفی از شیوه مخصوصی پیروی می‌کرده است که گرچه بشیرینی و قدرت‌وپایه و لطف تلفیق استادانی چون علیرضای عباسی، محمدرضای امامی و میرزا عبدالرحیم جزایری‌نمیرسیده است ولی رویهم‌رفته او را باید از خوشنویسان بزرگ و هنرمندان چیره‌دست صمیم دولت صفویه بحساب آورد. کتیبه‌نگاری صحیفی، از روشنی و خوانایی و بی‌تکلفی خاصی برخوردار است. بطوریکه آشنایان با اینگونه آثار، آثار او را بی‌زحمتی و ریاضتی می‌توانند خوانند و این لطیفه آنست که خوشنویس هنرمند، آسان‌یابی کلمات و جملات را برای خواننده، به شکل دادن و قرینه‌سازی و امثال این تکلفات، ترجیح داده است. در صورتیکه خوشنویسانی پرورده همان عهد را می‌شناسیم که قیود بیرون از حد بقرینه‌سازی و درهم‌نوشتن کلمات و تکلفاتی از این جنس، آثارشان را برای همگان لایق‌رء و برای خواص، مبهم و بقول ظریفی، پی‌بردن با آنرا محتاج رمل و اسطرلاب ساخته است.

شعر صحیفی - صحیفی در شعر پیرو همان شیوه‌ایست که خاصه در عصر صفویه رایج بوده است و سبک شناسان ایران اغلب از آن به سبک هندی تعبیر میکنند و ادبای هند آنرا سبک اصفهانی می‌نامند.

و اما از مجموعه اشعار صحیفی آن اندازه که بتوان نست بطرز و روش و سبک و سلیقه وی اظهار نظر قطعی کرد، در دست نگارنده این سطور نیست. مفصل‌ترین و شاید شیواثرین اثر منظومی که از او در دست است، همانست که میرعبدالنبی فخرالزمانی صاحب تذکره میخانه درذیل شرح حال وی (در ۶۶ بیت) نقل کرده است، زیر عنوان: ساقی‌نامه ملا صحیفی. این مثنوی همچون دیگر ساقی‌نامه‌های زبان فارسی (مخصوصاً ساقی‌نامه‌های ساخته شده در عهد صفویه) با ابیاتی خطاب به ساقی آغاز میشود، آنگاه، شاعر به معنی‌نامه میپردازد و سپس سخن را به دعای ممدوح ختم میکند. اینک منتخبی از ساقی‌نامه صحیفی:

بده ساقی آن آب فکرت گداز

که بیرون دهد دل از این پرده، راز

عیانت کنم در پس پرده چیست
نیارم از این بیش در پرده، زیست

در این پرده باشد مهی جلوه‌گر

که هم پرده‌دار است و هم پرده در

ز پنهانی از ذره مخفی‌تر است

ز پیدایی از مهر روشنتر است

بده ساقی آن نشأه زندگی

باحباب از جام فرخندگی

ز دوران فراموشیم آرزوست

بمستان هم آغوشیم آرزوست

معنی بی‌ساز کن

دری از نوا بر رخم باز کن

منم تشنه نغمه آبدار

تو کام من تشنه لب را بر آر

بمضرب جانبخش همدست باش

خلاصم کن از فکرت دلخراش

ز سلمک رهی نیست سوی حجاز

ز مضرب جانبخش راهی بساز

مخالف ندارد در این پرده راه

نمایان کن از شش جهت، پنج‌گانه

من بینوا در عراقم اسیر

نشد از عجم هیچکس دستگیر

معنی! نوا از تو حالت زنی

تکلف ز ساقی و گرمی ز می

ز مطرب اصول از صحیفی غزل

معانی ز من از تو صوت و عمل

غرض صوت و حرفت کار جهان

بصوتی و حرفی ز عشرت، ممان

بیا ساقی آن آب آتش خواص

که با طبع من باشدش اختصاص

کرا تاب این آب رخشنده است

که این آب چون برق سوزنده است

بود پیر رندان لاهوت سیر

شراب کهن سال در کنج دیر

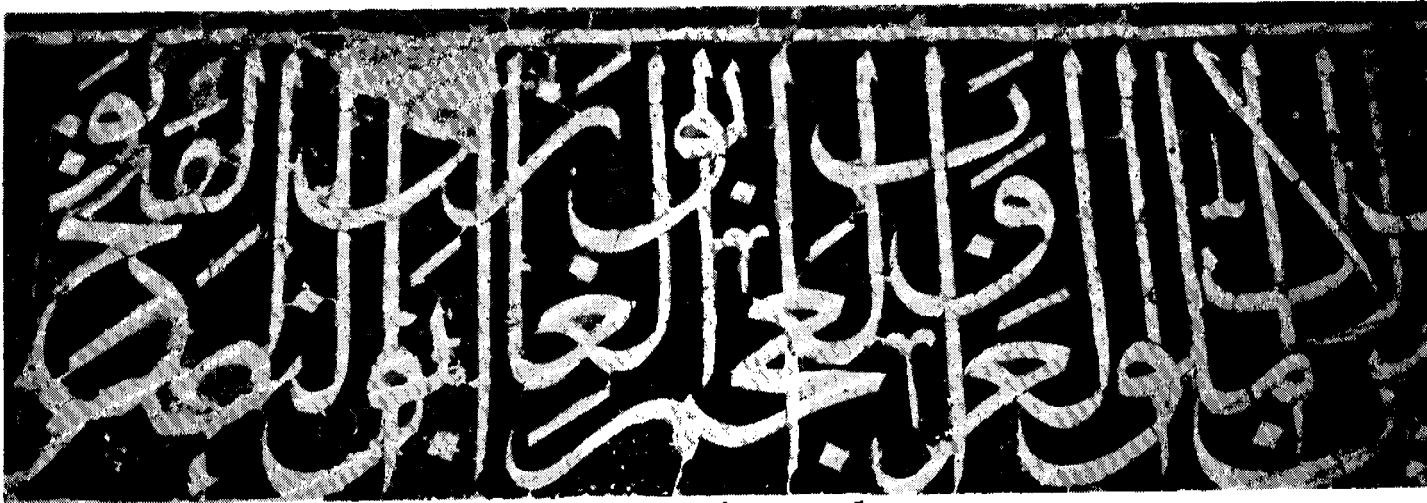
۲ - شع انجمن: مولانا صحیفی، در ایام حیات همیشه بالوانید (جمع لوند) در سیر و گشت و ذوق بود.

۳ - تذکره میخانه بنقل از صفحه ۲۱۸ مجمع‌الخواص.

۴ - نقل از حواشی میخانه.

۵ - میخانه، صفحه ۳۱۷.

۶ - صفحه ۳۰۵ میخانه و صفحه هفت اقلیم، جلد اول.



گوشه‌ای از کتیبه مسجد جورجیر

نصرآبادی ، این رباعی نسبتاً معروف را هم به صحیفی نسبت میدهد :

مریدم من این پیر گلفام را
که روشن کند از رخس جام را

بستند ملائک کمر از صدق و یقین
در خدمت شمع روضه خلد برین
مقراض با احتیاط زن ای خادم
ترسم بپیری شهر جبریل امین

بنوش آن بشادی روی کسی
که از وی بدلهاست شادی بسی
شهنشاه جمجاه عباس شاه
که گلبانگ عشرت رساند بماه
الی آخره

رباعی مذکور را اغلب بدیهه‌ای اثر طبع شیخ بهائی رحمه الله میدانند و میگویند : بدان هنگام که شاه عباس در حرم مطهر حضرت رضا علیه آلاف التحیته والثنا به گلگیری = آراستن فنیله شمع‌ها ، مشغول بود شیخ بزرگوار بدان دویت مترنم گردید^۷ .

امین احمد رازی در هفت اقلیم از شعر صحیفی ، تنها بنقل یک قطعه ماده تاریخ اکتفا میکند ، مصراع ماده تاریخ آن قطعه که تمام وبی‌تعمیه مینماید بدین ترتیب :

چنانکه گذشت ، شعر صحیفی را چه از لحاظ کمیّت و چه از نظر کیفیت آن پایه و مقدار نبوده نیست که برای او در عالم سخن ، رتبی و مقامی تثبیت کند اما با قدرت و مهارت و شیرین کاری که در ثلث نویسی و کتیبه نگاری داشته ، حق اینست که وی را خوشنویسی بزرگ بدانیم که بذوقیات و ظرائف معمول روزگار خویش نیز بتفّن میپرداخته است .

از صحیفی سال تاریخ بنا جستیم گفت
عقبه چون دیده بینا بود مردم نشین

به حساب جمل در حدود سیصد سال بعد از زمان شاعر را بدست میدهد که قطعاً در نقل آن از جانب مؤلف یا مباشر چاپ هفت اقلیم اشتباهی رخ داده است .

محمد طاهر نصرآبادی نیز در تذکره خود بیتی از صحیفی نقل میکند که نماینده تمام عبار شعر متوسط سبک هندی است ، بدین صورت :

۷ - بیت اول بعنوان شعری از شیخ بهائی بدین صورت معروفتر است :
پیوسته بود ملائک علیین پروانه شمع روضه خلد برین
احوال و آثار شیخ بهائی تألیف مرحوم سعید نفیسی .

شدم مویی و پیچیدم بر آتش یار حاضر شد
عزائم خوان پری حاضر کند چون مو بسوزاند